

با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان:
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

عدم تحویل آبار تمان‌های مسکّن مهر گرمسار به پهنانه شبکه فاضلاب

حدود ۴سال است که ۴۰۰دستگاه آبار تمان ۲طبقه که با طرح مسکن مهر و مسکن ملی احداث شده‌اند، تکمیل شده ولی هنوز در اختیار متقاضیان قرار نگرفته‌اند. علت آن را هم عدم اجرای شبکه فاضلاب(گاو) برای این منازل اعلام می‌کنند. بارها جهت رفع مشکل به مدیریت عمران شهری و مدیریت آبفای استان سمنان مراجعه کرده‌ایم که بی‌نتیجه بوده است. همه می‌دانند که متقاضیان این قبیل آبار تمان‌ها از قشر ضعیف و کم‌درآمد جامعه هستند که با هزار زحمت هزینه‌های ساخت این منازل را پرداخت کرده‌اند و توقع دارند تا هر چه زودتر از بلا تکلیفی و مستأجری خلاص شوند. مگر اجرای طرح فاضلاب چقدر زمانبر است و چرا مسئولان ذی‌ربط موانع اجرای آن را رفع نمی‌کنند؟

گلچه از گرمسار
به قطعی آب کارگاه‌های آزادگان غرب رسیدگی شود
خیابان عرفان یکم شرقی در خیابان عرفسان واقع در تهران، بزرگراه آزادگان غرب به شرق، روبه‌روی یافت‌آباد، ۴ سال پیش لوله‌کشی و کنتور آب در محل نصب شد و آب هم به لوله‌ها آمد اما یکباره قطع شده است. پایین‌تر از ماه‌اهای روستای قاسم‌آباد آب دارند و ساکنان این خیابان بدون آب مانده‌اند. تقاضای خود این خیابان هم به آب شرب شهری وصل شود.

رشدی‌ای از تهران

گرانفروشی نان لواش در قیرو کارزین استان فارس
در شهرستان قیرو کارزین در استان فارس قیمت هر قرص نان لواش ۶۵۰تومان شده است در صورتی‌که اعلام کردند نان بیاد گران شود و قیمت نان لواش در دیگر شهرها ۵۰۰تومان است. با توجه به بضعات مالی شهروندان تقاضای خود بر این موضوع نظارت شود.

کشتکار از قیرو کارزین

ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

شهروندانی که با آب جلوی در خانه‌شان را می‌شویند جریمه شوند

متأسفانه در این شرایط گرما و کم‌آبی معضای بزرگ می‌شود یک شهروند بی‌مبالات با شیلنگ آب شهری مشغول شست‌وشوی در منزل است و از فشار آب به جای جارو استفاده می‌کند. ضمن اینکه شهروندان باید به‌طور جدی به این افراد تذکر دهند، تقاضای خود آنها را شناسایی کرده و جریمه‌های سنگین برایشان لحاظ کنند. همچنین برخی اقوات دیده می‌شود با تانکر در حال شست‌وشوی خیابان‌ها و معابر هستند که این کار هم توجیه ندارد.

رضایی از تهران

شرکت خودروسازی سایپا بعد از تکمیل وجه، خلف وعده نکند

چندماه است که تکمیل وجه کرده‌ایم و به‌رغم تماس‌های مکرر متأسفانه شرکت سایپا جواب درستی به سوالات در خواست‌های مشتریان نمی‌دهد و هر بار جهت تحویل خودروی شاهین تماس می‌گیریم با این جواب روبه‌رو می‌شویم که در صف انتظار تخصیص خودرو هشتیادماخبری از تخصیص خودرو نیست. لطفاً پیگیری کنید.
سؤال این است که اگر خودروی نسبت چران ثبت‌نام کردید و در موعدمقرر پول آن‌را دریافت کرده‌اید؟ اگر خودرو آماده است چرا تحویل نمی‌دهید.
بدر از اینها اینکه سودمشراکت صفردرد است و سودی به آن تعلق نمی‌گیرد.
به کجا شکایت کنیم؟
خیام‌باشی از تهران

شهرک پیام کرج زیرساخت‌های سکونت‌نادر
شهرک پیام کرج در نزدیکی فرودگاه پیام در مهرشهر کرج از بدیهی‌ترین زیرساخت‌های سکونت شهری محروم است. جدای قطعی آب و برق، نبود فضای سبز، بیمارستان، مرکز درمانی، مرکز تفریحی، مرکز خرید، بانک و… اهالی شهرک پیام کرج از دیگر امکانات شهری مانند تاکسی و اتوبوس و… محرومند و موش‌ها در شهرک جولان می‌دهند زیرا خدمات شهری در شهرک کافی نیست.

تولگی از کرج

تلگرام با مردم @bamardom_humshahri

چراغ‌های معابر و خیابان‌ها در طول روز خاموش شوند
چند سالی است که به واسطه کمبود انرژی و مصرف بی‌رویه آن ششاهد قطعی برق خصوصاً در فصل تابستان و گرما هستیم. متأسفانه بسیاری از معابر و خیابان‌ها در طول روز و روشنایی کافی، چراغ‌هایشان روشن است. حتی آن دسته از این چراغ‌ها که به سنسور نور مجهز هستند و با طلوع آفتاب به‌طور اتوماتیک خاموش می‌شوند به‌علت‌های مختلف مثل از کارافتادن سنسور و یا آلوده‌شدن درست عمل نمی‌کنند و چراغ‌ها کماکان روشن می‌مانند. از طرفی چون تعدادشان در سطح کشور زیاد است، حجم زیادی از مصرف برق را به‌خود اختصاص می‌دهند. پیشنهاد می‌کنم مسئولان وزارت نیرو با اعزام گشت‌های مخصوص این چراغ‌ها را بررسی و نواقص آنها را رفع کنند یا شماره تلفنی اعلام کنند که مردم بتوانند روشن‌بودن چراغ‌ها را گزارش دهند. مطمئناً این اقدام، کمک بزرگی به صرفه‌جویی مصرف برق خواهد کرد.

داوودنژاد از تهران
بیمارستان فوق تخصصی کودکان رشت و شست‌دستگاه سی‌تی‌اسکن ندارد
بیش از ۱۰سال است که بیمارستان فوق تخصصی کودکان ۱۷شهرپور شهر رشت در انتظار یک دستگاه سی‌تی‌اسکن است. این موضوع بارها و بارها والدین کودکان بیمار را دچار مشکل کرده و حتی گاهی اوقات به‌خاطر نبود این دستگاه و تشخیص نادرست پزشکی، سلامت و درمان کودکان به خطر افتاده و انجام نشده است. پس معنای بیمارستان فوق تخصصی چیست؟ مگر نه اینکه بیمارستانی در این سطح و با این عنوان باید دارای تجهیزات و امکانات کافی باشد؟ از مسئولان وزارت بهداشت درخواست داریم تا هر چه زودتر این مشکل را مرتفع کنند تا بیش از این سلامت کودکان به مخاطره نیفتد.

فرخی از رشت

اسرار اختلاس میلیاردی کارمندبانک

کارمند یکی از بانک‌های دولتی با سوءاستفاده از اعتباری که به او برای صدور چک‌های رمزدار داده شده بود، دست به اختلاسی میلیاردری زد و یکباره ناپدید شد؛ اما چند روز بعد در حالی که قصد فرار از کشور را داشت به دام افتاد.

به گزارش همشهری، اسرار این اختلاس کلان چند روز قبیل در بانک دیگری بر ملا شد. کارمند یکی از صرافی‌های مرکز شهر چکی رمزدار مربوط به یکی از بانک‌های دولتی را به بانک دیگری برد تا آن را پس از وصول به حسام صاحب صرافی واریز کند. این صرافی چک را که مبلغ سنگینی داشت در ازای فروش دلار از یکی از مشتریان دریافت کرده بود، و به‌دلیل سنگین بودن مبلغ، کارمندبانک با دقت بیشتری به بررسی آن پرداخت. او از طریق سیستم یکپارچه مطلع شد چک اصالت دارد و توسط یکی از

بانک‌های دولتی صادر شده، اما در روند صدور چک ایراداتی وجود دارد.

به همین دلیل به بررسی دقیق‌تر آن پرداخت و

فهمید صادرکننده چک که از کارمندان پاساابق بانک است این چک را بدون پشتوانه صادر کرده است. در این شرایط نه تنها چک نقد نشد، بلکه با گزارش کارمند بانک تحقیقات برای روشن‌شدن پشت پرده این ماجرا آغاز شد.

فریب میلیاردری صرافان

هنوز به درستی ابعاد آنچه در این بانک دولتی اتفاق افتاده بود معلوم نبود، اما با انجام بررسی‌های دقیق اطلاعات بیشتری به‌دست آمد. شواهد به‌دست آمده حاکی از این بود که یکی از کارمندان پاساابق و خوشام بانک

ضرب و شتم قرار گرفته است. از سوی دیگر کارشناس

پزشکی قانونی می‌گفت که ساعت‌ها از مرگ می‌گذرد و دختر جوان شب قبل، یعنی یکشنبه شب جان باخته

است؛ حال آنکه در این مدت اعضای پرجمعیت خانواده متوجه حادثه نشده بودند. همچنین تحقیق از همسایه‌ها نشان داد که آنها شب قبل صدای دعوا و درگیری مرد

افغان و دخترانش را شنیده بودند. تکه‌های پازل که کنار هم قرار می‌گرفت، فرضیه قتل

را پررنگ‌تر می‌کرد و در این شرایط بازپرس جنایی تصمیم گرفت تا جداگانه از اعضای خانواده تحقیق کند.

را از زیر دست پدرم نجات بدهم.»

او ادامه داد: من شب از سرکار رسیدم و مادرم را با چشمان گریان دیدم. از داخل اتاق صدای فریادهای پدرم شنیده می‌شد. مادرم هراسان سست من آمد و خواست تا خواهرانم را نجات بدهم. مادرم می‌گفت پدرت عصبانی شده و به جان خانواده افتاده است. وقتی این را شنیدم فوراً در را شکستم و وارد اتاق شدم؛ چون پدرم در را قفل کرده بود. پدرم به جان خواهرم افتاده بود و با مشت و لگد آنها را کتک می‌زد. من برای نجات خواهرانم دست به کار شدم اما فقط توانستم یکی از آنها را نجات بدهم و او از ترس فوراً از خانه فرار کرد؛ متأسفانه خواهر دیگرم جان باخت.

در سرهای یک آشنایی
وقتی خواهر بزرگ‌تر، اسرار مرگ مریم را فاش کرد، بازپرس جنایی از مأمور پلیس خواست تا با دختر دیگر

حوادث

کارمند خیانتکار بعد از تبدیل پول‌های بانک به دلار قصد خروج از کشور را داشت

اسرار اختلاس میلیاردی کارمندبانک

شعبه‌ای واقع در مرکز شهر کار می‌کرد با چند صراف و طلافروش در ارتباط بود. او با آنها مراده اقتصادی داشت و گاهی برای‌شان مشتری می‌فرستاد. این کارمند که اختیاراتی برای صدور چک‌های رمزدار بین بانکی داشت در آخرین مورد به این پهنانه که یکی از دوستانش به مبلغ قابل توجهی دلار نیاز دارد به این صرافی سفارش خرید دلار داده و در ازای دلارها چک رمزدار بانکی متعلق به همان شعبه‌ای که در آنجا کار می‌کرد را پرداخته بود. نکته مهم اینکه این معامله در آخرین ساعت آخرین روز کاری هفته انجام شده بود. آن روز کارمندبانک دلارها را تحویل گرفته و بعد از پایان کارش در بانک دیگر هیچ‌کس او را ندیده بود؛ چراکه از نخستین روز هفته بعد او در سرکارش حاضر نشده و به طرز عجیبی ناپدید شده بود. او به تماس همکارانش جواب نمی‌داد و علت غیبتش مشخص نبود تا اینکه ماجرای چک رمزدار صادر شده پیش آمد و معلوم شد که او با نقشی از پیش طراحی شده دست به این کار زده و گریخته است.

از سوی بررسی‌های انجام شده نشان می‌داد او دست‌کم ۵هفتره چک با این شیوه صادر کرده اما فقط توانسته‌بود از ۲چک استفاده کند. برآوردها نشان می‌داد مبلغ این دو چک حدود ۳۰۰میلیارد تومان بود. به‌این ترتیب تلاش‌ها برای دستگیری کارمند فراری آغاز شد.

خانواده که از مرگ رهایی یافته بود تماس بگیرد تا او به خانه برگردد. دست بازپرس جنایی اجرا و دختر جوان پس از آنکه تماس را پاسخ داد و خیالش راحت شد، تیم پلیسی و قضایی در خانه هستند بگرشست. وی هنوز وحشت‌زده بود و با گر به بازپرس جنایی گفت: من و خواهرم مریم به تازگی با ۲نفر در پارک آشنا شده بودیم و هر از گاهی با آنها قرار می‌گذاشتیم و به پارک با کافه می‌رفتم. پدرم متوجه این ماجرا شد و شب حادثه وقتی به خانه برگشتم، هر دوی ما را به اتاق برد و به شدت کتک ما زد. هنوز باورم نمی‌شود که خواهر مریم با جانش را از دست داده و من به طرز معجزه‌آسایی به اقدام موقوف خواهر بزرگ‌ترم از مرگ نجات یاقتم.

تنبیه مرگبار
دیگر راهی برای پدر خانواده وجودنداشت تا قتل دخترش را کتمان کند و خودش را بی‌گناه بداند. دیگر اسرار جنایت بر ملا و مشخص شده بود که داستان پدر خیالی بوده است. او اعتراف کرد که قصد تنبیه دخترانش را داشته اما این تنبیه به قتل یکی از آنها ختم شده بود. وی ادامه داد: وقتی شنیدم دخترتم با ۲نفر آشنا شده‌اند، خیلی عصبانی شدم؛ چون می‌ترسیدم

آبرویم در بین همشهریانم و مادرم را با چشمان همه مرا بی‌غیرت صدا کنند. شب حادثه وقتی شنیدم با همان افراد غریبه به پارک رفته‌اند، عصبانی شدم. می‌خواستم آنها را تنبیه کنم اما نفهمیدم چه شد که یکی از آنها را بداستمان خفه کردم. وی ادامه داد: بعد از قتل هم چند ساعتی را تهدید کردم تا به کسی دربار این اتفاق حرفی نزنند. می‌خواستم وانمود کنم که دخترم خودکشی کرده است اما دستم رو شد. پدر به اتهام قتل، بازداشت شد و برای انجام تحقیقات در اختیار کارآگاهان جنایی قرار گرفت. از سوی دیگر جسد نیز به دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در صحنه جرم با کشف اسرار این جنایت پایان یافت.



را از زیر دست پدرم نجات بدهم.»

او ادامه داد: من شب از سرکار رسیدم و مادرم را با چشمان گریان دیدم. از داخل اتاق صدای فریادهای پدرم شنیده می‌شد. مادرم هراسان سست من آمد و خواست تا خواهرانم را نجات بدهم. مادرم می‌گفت پدرت عصبانی شده و به جان خانواده افتاده است. وقتی این را شنیدم فوراً در را شکستم و وارد اتاق شدم؛ چون پدرم در را قفل کرده بود. پدرم به جان خواهرم افتاده بود و با مشت و لگد آنها را کتک می‌زد. من برای نجات خواهرانم دست به کار شدم اما فقط توانستم یکی از آنها را نجات بدهم و او از ترس فوراً از خانه فرار کرد؛ متأسفانه خواهر دیگرم جان باخت.

در سرهای یک آشنایی
وقتی خواهر بزرگ‌تر، اسرار مرگ مریم را فاش کرد، بازپرس جنایی از مأمور پلیس خواست تا با دختر دیگر

برخورد مرگبار پسر نوجوان با تیرک دروازه فوتبال

فوتبالیست نوجوان به‌دلیل برخورد سرش با تیرک دروازه زمین فوتبال جانش را از دست داد. به گزارش همشهری، این حادثه در یک زمین فوتبال در منطقه گرمدره کرج اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که چند نوجوان در این زمین در حال بازی بودند که ناگهان سرب یکی از آنها هنگام بازی با تیرک برخورد کرد و نقش زمین شد. هرچند این نوجوان ۱۳ساله در مرکز درمانی منتقل شد اما در نهایت به‌دلیل شدت ضربه جانش را از دست داد. سرهنگ پیمان گودرزی، فرمانده انتظامی کرج گفت: به‌دنبال این حادثه مأموران واحد گشت کلاتری ۳۴گرمدره در محل حاضر شدند و به بررسی موضوع پرداختند. او ادامه داد: پس از انتقال مصدوم به بیمارستان و با وجود تلاش‌های کادر پزشکی، متأسفانه این نوجوان به‌علت شدت جراحات وارده فوت شد.

همیشه پری

کوتاه از حادثه

پلیس در تعقیب زن کلاهبردار



پلیس در تعقیب زن جوانی است که به‌عنوان مشتری، وارد بانک می‌شد و با فیلم‌گرفتن از روی چک‌های مشتریان، نقشه کلاهبرداری خود را عملی می‌کرد. به گزارش همشهری، چندی پیش مدیر یک شرکت خصوصی راهی اداره آگاهی شد و گفت که فردی با چک قاچاقی اقدام به برداشت چندین میلیون تومان از حساب شرکت کرده است. این در حالی بود که به‌گفته وی هیچ چکی با مبلغ مورد نظر و به نام شخصی که نامش در چک درج شده بود، از سوی صادر نشده بود. با این شکایت، تیمی از کارآگاهان اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران برای کشف‌راز این کلاهبرداری وارد عمل شدند. آنها در نخستین اقدام به بررسی چک مورد نظر پرداختند و متوجه شدند که به نام یک زن صادر شده است. تحقیقات بیشتر نشان می‌داد که چک به طرز

بسیار ماهرانه‌ای جعل شده و زن جوان با استفاده از چک جعلی اقدام به برداشت از حساب شرکت مورد نظر کرده است. در ادامه کارآگاهان به بررسی دوربین‌های مداربسته بانک پرداختند. آنها فیلم‌هایی که لحظه ورود زن جوان را به بانک نشان می‌داد، مرور کردند. فیلم‌ها نشان می‌داد که زن جوان با ظاهری ارسته چک‌های بانکی در اختیار داشتند و آنها را روی پیشخوان بانک گذاشته بودند. نزدیک شده‌ها با گوشی خود اقدام به فیلمبرداری و گرفتن مخفیانه عکس از چک‌ها کرده و پس از آن نیز از بانک خارج شده است. وی چند روز بعد در اختیار داشتن چکی تقلبی با مشخصات و امضایی درست شبیه امضای که پای چک صاحب شرکت بود، وارد بانک شده و آن را نقد کرده بود.

بررسی‌ها نشان می‌داد که زن جوان پس از عکس و فیلم گرفتن از چک‌های مشتریان با از تباطاتی که با فروشندگان چک‌ها و مدارک سرقتی داشته، از آنها چکی شبیه چک مورد نظر و مدارک شناسایی جعلی خریداری می‌کرد. سپس به طرز ماهرانه‌ای شماره چک و مشخصات و مبلغ آن را تغییر می‌داد و آن را نقد می‌کرد. این زن همچنین برای اطمینان از موجودی حساب شاکیان به پهنانه استعلام برای نقدکردن چک با شعبات بانک‌ها یا قسمت حسابداری شرکت‌ها تماس و با تفرندی خاص از مانده حساب سوزه‌های خود اطمینان پیدا و مبلغ چک را با توجه به موجودی حساب افراد صادر می‌کرد. او با کارت ملی جعلی حساب بانکی دیگری باز کرده بود که پس از نقدکردن چک‌ها، مبلغ آن را به‌حساب مورد نظر و پس از مراجعه به صرافی‌ها و طلافروشی‌ها اقدام به خرید طلا و دلار می‌کرد.

به‌گفته سرهنگ چنانگریقی بقر، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران، سا توجه به فراری بودن زن جوان، مجوز قضایی استعلام عکس بدون پوشش چهره وی از سوی مقام قضایی صادر شده و افرادی که از مخفیگاه این زن باخبرند می‌توانند اطلاعات خود را از طریق شماره تلفن ۰۵۵۶۱۰۵۵۶۴۴۴۴۰۰۵۵۶۴۴۴۰۰در اختیار کارآگاهان اداره پلیس آگاهی تهران قرار دهند.

بخشش قاتل ۱۰سال بعد از جنایت

جوان محکوم به قصاص که در درگیری بر سر معامله سنگ‌های قیمتی، جان یکی از دوستانش را گرفته و به قصاص محکوم شده بود، در زندان شروع کرد به حفظ قرآن و تلاش برای نجات محکومان از مجازات مرگ و همین موجب شد تا اولیای دم به شرط دریافت دیه وی را ببخشند.

به گزارش همشهری، ۱۶آذر سال ۹۲جوان ۲۸ساله‌ای با شلیک قیمتی با هم کار می‌کردند اما با هم دچار اختلافاتی شده بودند و همین باعث درگیری میان آنها شده بود. عامل جنایت که پس از حادثه فراری شده بود، چندروز بعد دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد اما گفت که قصد قبلی نداشته و همه‌چیز اتفاقی بوده است. وی ادامه داد: من و مقتول با هم کار می‌کردیم اما از چند وقت قبل، مبلغی به او بدهکار شدم. نه‌تنها به مقتول بلکه به افراد دیگری بدهکار شدم و شرایط مالی مساعدی نداشتم. از طلبکارانم وقت می‌خردم تا هرچه زودتر پول تهیه کنم و بدهی‌هایم را بپردازم. وی ادامه داد: روزی حادثه‌مقتول به مقابل خانام آمد که با هم درگیر شدیم. خیلی عصبانی بودم و می‌خواستم با اسلحه او را تهدید کنم و برترسانم تا برود اما نمی‌دانم چه شد که دستم روی ماشه رفت و گلوله‌ای شلیک شد. وی گفت: اسلحه را هم یکی از دوستانم به من هدیه داده بود.

رهایی از قصاص

متهم به قتل در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت و به قصاص محکوم شد. هرچند به رأی اعتراض کرد، اما قضات دیوان عالی کشور مهر تأیید بر این رأی زدند و پرونده به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد. همه‌چیز مهیا بود برای اجرای حکم و جوان محکوم به قصاص مدتی قبل پای چوبه دار رفت، اما در آخرین لحظات موفق شد؛ از اولیای دم مهلت بگیرد و به زندان برگردد. این اتفاق بار دیگر چند روز پیش تکرار شد و برای بار دوم قاتل توانست از مجازات بگریزد و از اولیای دم مهلت بگیرد. در این بین خبری از زندان به گوش اعضای تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران رسید مبنی بر اینکه عامل جنایت در این پرونده به‌شدت تغییر کرده و رفتارهای مناسبی در زندان دارد. همه زندانیان از او راضی بودند چرا که مرد جوان شروع کرده بود به حفظ قرآن و انجام کارهای خیرخواهانه. او برای نجات یافتن از قصاص تلاش زیادی می‌کرد و همه اینها موجب شد تا تیم صلح و سازش تلاش برای نجات مرد زندانی را آغاز کند. درحالی که نام مرد قاتل در لیست افرادی که قرار بود هفته آینده قصاص شوند، قرار گرفته بود اولیای دم حاضر شدند به شرط دریافت دیه، قاتل را ببخشند. آنها به قاتل مهلت ۵ماهه داد تا مبلغ دیه را تهیه کند تا بتواند بعد از ۱۰سال از زندان آزاد شود.